

الگوی فرهنگی ایرانی - اسلامی مبتنی بر ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان

رامین مسعودی^۱ | فاطمه عزیزآبادی فراهانی^۲ | رزینا سپهرنیا^۳ |

مهرداد نوابخش^۴ | سیدرضا صالحی امیری^۵

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی الگوی فرهنگی ایرانی - اسلامی مبتنی بر مفهوم هویت ملی ایرانیان است. این پژوهش به روش ترکیبی کمی و کیفی با استخراج مفاهیم، تدوین مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت فرهنگی از ادبیات تحقیقات مرتبط، اخذ تائید با روش دلفی، استخراج مدل مفهومی، سنجش وضعیت موجود و مقایسه با وضعیت مطلوب، احراز روایی و پایایی، تحلیل عامل تأییدی از طریق جامعه آماری ۴۱۰ نفره (۱۰ صاحب‌نظر و ۴۰۰ شاغل در مسئولیت‌های فرهنگی) انجام شده است. یافته‌ها شامل ۱. مؤلفه ادبیات فارسی با شاخص‌های اعتقاد به گسترش زبان فارسی و حفظ و ارتقا هویت ایرانی اسلامی؛ ۲. مؤلفه علوم ایرانی اسلامی با شاخص‌های باور به پیشرفت علوم و توسعه امور انسانی با استفاده از آن و اعتقاد به پیشینه تمدنی علوم ایرانی اسلامی در جهان و ۳. مؤلفه هنر ایرانی اسلامی و موسیقی با شاخص‌های اعتقاد به تأثیرگذاری هنر ایرانی اسلامی در هنر جهان و التزام به حفظ و گسترش تاووم آن‌ها می‌باشد. نتایج نیز نشان می‌دهد الگوی فرهنگی ایرانی - اسلامی مبتنی بر ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی شامل هویت فرهنگی ایرانیان و نیز هویت تلفیقی فرهنگی با سایر ابعاد هویت ملی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ ایرانی اسلامی، هویت، هویت فرهنگی و هویت ملی.

۲

سال چهاردهم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۰/۰۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۰/۰۰

صص: ۵۳-۲۷

شاپا چاپ: ۲۷۱۷X-۸۷

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۸۸۸

DOR:

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی و مدیر گروه مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشکده مدیریت و

اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. f-azizabadi@srbiau.ac.ir

۳. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه مطالعات فرهنگی و رسانه، تهران، ایران

۴. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

۵. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

۱. مقدمه

از آنجا که فرهنگ هر جامعه مجموعه‌ای از ارزش‌ها، بینش‌ها و نگرش‌های افراد آن جامعه است که در رفتار و کردار آن‌ها به گونه‌ای نظام‌مند و درعین حال آگاهانه و ناآگاهانه متجلی می‌شود، لذا می‌توان گفت یکی از خصوصیات فرهنگ نظام‌مندی و الگو دار بودن آن است. این الگوها در واقع نمایانگر هنجارها و قواعدی هستند که کنش افراد را در عین نمودسازی، هدایت نیز می‌کنند و از آنجا که هر جامعه‌ای با هویت ملی خود شامل برآیند سایر خرده هویت‌های دیگر اعم از هویت‌های دینی و مذهبی، سیاسی و اجتماعی، تاریخی و تمدنی و جغرافیایی و سرزمینی متبلور در احساس تعلق و ارزشمندی آن جامعه شناخته می‌شود، لذا جهت درک بهتر ویژگی‌های بارزی که تحت عنوان ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی دانسته می‌شوند، داشتن الگوی فرهنگی مبتنی بر آن حائز اهمیت تلقی می‌شود؛ به خصوص آن که فرهنگ ایرانی- اسلامی دارای منشأ خداوآرانه و در سپهرها و عرصه‌های مختلف این ویژگی بارز به‌طور دائم در حال آفرینش و بازتولید است. از نقطه نظر دیگر، در عرصه جهانی به نظر می‌رسد این امر ضروری است که بتوان ابتدا ظرفیت‌های بالنده هویت فرهنگی ایران را کامل شناسایی کرد و سپس آن‌ها در سطح فراملی اشاعه داد. به همین دلیل، شناسایی الگوی فرهنگی ایرانی اسلامی مبتنی بر مفهوم هویت ملی ایرانیان امروز مسئله اصلی است و بر اساس این مسئله می‌توان اهداف زیر را مدنظر قرار داد: هدف آرمانی: انجام پژوهشی که حاصل آن بتواند با استفاده از الگوی فرهنگ ایرانی- اسلامی به خط‌مشی گذاری در عرصه هویت فرهنگی ایرانیان به‌عنوان بخشی از هویت ملی کمک کند. هدف کلی (اصلی): شناخت الگوی فرهنگی ایرانی- اسلامی مبتنی بر ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان و اهداف ویژه و کاربردی: شامل شناسایی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی ایرانیان و سپس تعیین سهم هریک از آن‌ها؛ البته لازم به توضیح است که مقوله هویت فرهنگی پیش‌تر توسط پژوهشگران مختلف علوم اجتماعی (علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، رسانه و مطالعات فرهنگی و ...) بررسی قرار گرفته است که در بخش پیشینه تحقیق به برخی موارد اشاره شده است.

۲. سؤال‌های تحقیق

۱-۲. سؤال اصلی

الگوی فرهنگی ایرانی- اسلامی مبتنی بر ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی چگونه است؟

۲-۲. سؤال‌های فرعی

۱. اساساً از منظر فرهنگی، ایرانی امروز کیست؟
۲. چرایی، چیستی و چگونگی عواملی که به «کیستی» ایرانی یا به تعبیری هویت فرهنگی انسان ایرانی در نسبت به هویت ملی پاسخ می‌دهد، کدام است؟
۳. نسبت و سهم هر کدام از این عوامل به چه میزان است؟

۳. مبانی نظری و ادبیات تحقیق

۱-۳. تعریف مفاهیم و اصطلاحات

فرهنگ: اگر چه فرهنگ در زبان فارسی معانی مختلفی از جمله ادب، تربیت، دانش، آداب و رسوم، علوم، معارف و هنرهای یک جامعه است (آسمان نسب و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۸)؛ اما به طور کلی می‌توان فرهنگ را کلیتی دانست مرکب از خصوصیات خاص، مادی و معنوی، فکر و احساسی که شاخصه یک جامعه یا یک گروه مشخص را نشان می‌دهد. از طریق فرهنگ است که انسان خود را تعریف می‌کند، به خود آگاهی می‌رسد، ضعف‌های خود را می‌پذیرد، از موقعیت‌های خود می‌پرسد، به ابزارهای جدید دست می‌یابد و آثار جدیدی خلق می‌کند که توسط آن‌ها محدودیت‌های خود را مرتفع می‌سازد. این تعریف جامع از فرهنگ می‌خواهد هویت جامعه را به بیان درآورد (عزیزآبادی فراهانی و مسعودی، ۱۳۹۹: ۶).

فرهنگ ایرانی اسلامی: از مواجهه و تلفیق فرهنگ ایرانی با ارزش‌های اسلامی به وجود آمده است؛ در واقع فرهنگ ایرانی با سابقه طولانی و درخشان خود ضمن حفظ ارزش‌های ذاتی خویش در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها ضمن افزودن ویژگی‌های اکتسابی، به غنای خود افزوده

است. به خصوص هنگامی که ایرانیان از اصول و ویژگی‌های انسان‌دوستانه و مترقی فرهنگ اسلامی آگاهی پیدا کردند، آن را با آغوش باز پذیرفتند (شریعت، ۱۳۸۶: ۹۱). بدون شک، گسترش فرهنگ اسلامی، مدیون استفاده از تجربیات طولانی ایرانیان با فرهنگ بود؛ بدین گونه عقل ایرانی در کنار شرع مقدس، در قرون اولیه اسلامی حماسه آفرید و فرهنگ ایرانی که در این هنگام با فرهنگ اسلامی آمیخته بود، مبنایی استوار برای پیشرفت علوم در همه رشته‌ها پدید آورد؛ به عبارتی دیگر، فرهنگ ایرانی و اسلامی از لحاظ ریشه، اساس و مبانی آن وجوه تشابه و اشتراکات بسیاری دارد و می‌توان اذعان کرد که ریشه‌ها و مبانی فرهنگ ایرانی از جهاتی همان ریشه‌ها و مبانی فرهنگ اسلامی است؛ زیرا در ناحیه منابع اشتراکاتی دارند. این اشتراکات در طول تاریخ بشر از عقل، دانش و تجارب بشری از یک سو و فطرت واحد بشریت از سوی دیگر نشئت می‌گیرد (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۱۱)؛ زیرا در فرهنگ دینی و اسلامی هم مانند فرهنگ ایرانی، به عقل و دانش تجربی و بشری بسیار سفارش شده و هم فطرت و قلب انسان‌ها به عنوان منابع شناخت و معرفت مورد تأکید قرار گرفته و این منابع را می‌توان به عنوان عوامل شکل‌دهنده فرهنگ دینی و اسلامی مورد توجه قرار داد (عنایت، ۱۳۸۷: ۳۳).

هویت: مجموعه‌ای از خودآگاهی‌های جمعی و احساس تعلق و وفاداری را در معنای جامعه‌شناختی آن پدید می‌آورد که هم ضرورت زندگی اجتماعی است و هم بدون آن تداوم زندگی جمعی ناممکن است (دیوسالار، ۱۳۹۳: ۱۰۹). از دیگر سو هویت امکان‌صف‌بندی میان فرد با اغیار را موجب می‌شود و طبیعی است که در پی جویی چنین تعلقاتی بر تاریخ مشترک، دین مشترک، بر زبان، فرهنگ، سنت، جغرافیا و ... مشترک تأکید می‌ورزند (صالحی، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

هویت فرهنگی: مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فرهنگی هستند که به یک فرد یا به یک گروه، «شخصیت» می‌دهند و به عبارت دیگر او را از افراد یا گروه‌های دیگر «تمایز» می‌کنند تا از این راه وی بتواند وارد روابط میان‌کنشی (تعاملی) با خود و دیگران شود و به عبارتی بتواند مسئولیت و توانایی «موجودیت» فیزیکی و ذهنی خود را در نظامی که در آن حضور دارد، بر عهده بگیرد (فکوهی، ۱۳۹۴: ۲۲)؛ بنابراین هویت فرهنگی یک جامعه عبارت است از: گذشته تاریخی، حماسه‌های آبا و اجدادی، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسطوره‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۹۶: ۶۵).

هویت ملی: عبارت است از احساس تعلق و تعهد اعضای یک جامعه به رموز، نمادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات، تاریخ و در نتیجه موجب تمایز آن از دیگر جوامع و هم‌چنین انسجام و همبستگی اجتماع بزرگ ملی می‌شود (خسروی، ۱۳۹۴: ۱۸ و صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۷۰ و میرمحمدی، ۱۳۹۴: ۸)؛ بنابراین هویت ملی مفهومی دوجبهی است که هم‌زمان بر تمایز و تشابه دلالت دارد؛ بدین معنی که از یک سو با تأکید بر مشترکات، «ما» را پیرامون محوری واحد، همبسته و متحد می‌سازد و از سوی دیگر «ما» را از طریق بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نهادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث تمایز ملت‌ها تشکیل می‌دهند، متمایز می‌سازد (اسمیت، ۱۳۹۴: ۳۰ و گوبرنا، ۲۰۱۴: ۱۲۷).

۲-۳. پیشینه تحقیق

در خصوص هویت فرهنگی پژوهش‌های گوناگونی از جمله موارد ذکر شده در جدول ۱ انجام پذیرفته است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش‌های مشابه

محقق و سال تحقیق	عنوان	خلاصه نتایج
عباس زاده و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی نقش ارزش‌های میراث معماری و شهری در توسعه گردشگری فرهنگی	شناخت قابلیت‌های مکان‌های میراث معماری و شهری با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ساکنان، توسعه و ترویج فرهنگ و هویت بومی و منطق‌های و در جهت حفظ و احیای هویت تاریخی.
مهرداد عربستانی و همکاران (۱۴۰۰)	شناسایی و اولویت‌بندی عناصر هویت فرهنگی در تکوین و پایداری هویت قوم ترک	عامل جغرافیا و زبان پراهمیت‌ترین و تفاوت جنسیتی کم‌اهمیت‌ترین نقش در هویت فرهنگی قوم ترک هستند.

خلاصه نتایج	عنوان	محقق و سال تحقیق
<p>سند هویت ملی ایرانیان شامل دو لایه هویت فرهنگی اسلامی با عناصری چون معنویت و توحید، اسلام و مذهب تشیع و معارف قرآنی، هم‌گرایی فرهنگی، دفع ظلم و ستم، ولایت مداری، عمل به سیره نبوی و لایه هویت فرهنگ ایرانی با مؤلفه‌های میراث فرهنگی، تمدن ایرانی، زبان و خط پارسی، خرده‌فرهنگ اقوام ایرانی و هنر ایرانی است.</p>	<p>عناصر هویت فرهنگی ج.ا.ا؛ نمونه کاوی سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان</p>	<p>علی کریمی مله و همکاران (۱۳۹۷)</p>
<p>اگرچه در چارچوب بین‌المللی شدن سازمان‌ها و به‌ویژه تعداد فزاینده کارکنان از فرهنگ‌های مختلف، تعداد مطالعات در مورد مدیریت تفاوت‌های فرهنگی به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته، بااین‌حال، مطالعات در مورد تفاوت‌های فرهنگی و مفهوم هویت فرهنگی تا حد زیادی به دلیل مطالعات تأثیرگذار هافستد که منجر به افزایش علاقه به فرهنگ‌های ملی شد، محدود می‌باشد. در مجموع هویت فرهنگی بر متمایز بودن یا ویژگی یک جامعه معین استوار است و ویژگی‌های خاص مشترک مردم آن را در برمی‌گیرد.</p>	<p>هویت فرهنگی و تأثیر آن بر سازمان‌های چند فرهنگی امروزی</p>	<p>هلنا کارجالاین (۲۰۲۰)</p>
<p>تغییرات مهم زندگی - مانند مهاجرت - پتانسیل غنی‌سازی احساسات و تعلقات فردی را دارند، اما همچنین چالش‌برانگیز هستند. آن‌ها با مطالعه پیکربندی‌های فرهنگی جدید دانشجویان مهاجر به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل هویت فرهنگی این قشر اگرچه به‌صورت عوامل نهادینه شده فردی گاهی پنهان و گاهی بروز دارند، اما به نظر می‌رسد وجهی میراثی هویت فرهنگی افراد مهاجر باعث احساس تبعیض بیشتری نسبت به سایر وجوه هویتی در افراد تازه‌وارد دارد.</p>	<p>پویایی هویت فرهنگی: ثبت تغییرات در هویت‌های فرهنگی در طول زمان و سازماندهی درون فردی آن‌ها</p>	<p>کاترین. ای. امیوت و همکاران (۲۰۱۸)</p>

با این حال وجه تمایز پژوهش حاضر و نیز جنبه جدید بودن آن با موارد مطرح شده در این است که این مطالعه با رویکرد بین‌رشته‌ای مدیریت فرهنگی از حوزه‌هایی که با مقوله فرهنگی ایرانی- اسلامی در ارتباطاند (مانند علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، ادبیات، رسانه و...) به موضوع الگوی فرهنگی ایرانی اسلامی و هویت فرهنگی می‌پردازد. ثانیاً هویت هنری را همراه هویت فرهنگی به عنوان یک بُعد در کنار دیگر ابعاد مفهوم هویت ملی تعریف کرده است. ثالثاً سعی در کمی‌سازی و قابل‌اندازه‌گیری‌سازی یک مقوله کیفی (شناسایی و اندازه‌گیری مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت فرهنگی) در قالب الگوی فرهنگی ایرانی- اسلامی مبتنی بر ویژگی‌های هویت ملی ایرانیان دارد.

۳-۳. مبانی نظری تحقیق

از منظر مفهومی پرسش هویت، از بنیادی‌ترین پرسش‌ها در حیات انسانی بوده و هست. افراد و اجتماعات، با پرسش از هویت، از سطح خرد تا کلان، تصویری از آنچه هستند یا آنچه تصور می‌کنند که باید باشند، ارائه می‌دهند (علمداری، ۱۳۹۸: ۵۴). اهمیت این تصویر در این است که در سطح فردی، هویت نقطه آغازین ورود به دنیای اجتماعی و در سطح جمعی، نقطه محوری بقا، تداوم و بالندگی در میان دیگر اجتماعات است (پاردی و ویلس، ۲۰۰۷: ۷۰). از سوی دیگر این شناخت از کیستی افراد در ابعاد و موضوعات مختلف وجود دارد؛ به تعبیری انسان‌ها در موقعیت‌های گوناگون به‌طور مستمر سعی به شناخت و معرفی خویش‌شان دارند (هاستینگ، ۲۰۱۷: ۹۵). این شناخت و ضرورت از کیستی در کلان‌ترین سطح، در هویت ملی به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قومی که زندگی انسانی را در برمی‌گیرد (روح‌الامینی، ۱۳۹۵: ۸۴) منعکس می‌شود.

از منظر کارکردی نیز، کاستلز هویت فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا گروهی از ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند (پروست، ۲۰۰۴: ۱۰)؛ از سویی دیگر این معنا درون شبکه‌های درهم‌تنیده نظام‌های فرهنگی و خرده نظام‌های اجتماعی به‌طور دائم در حال تولید و بازتولیدند و باعث ایجاد تحولات نظام ارزشی و متعاقب آن تحولات فکری و رفتاری در نسل‌های جدیدتر می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۹۵: ۴۵) به‌خصوص آن که امروزه

فرهنگ‌ها یکی از عوامل تأثیرگذار و شکل‌دهنده حوزه عمومی در جهان معاصر محسوب می‌شوند و به نظر می‌رسد بایسته است که آن‌ها پیام‌های خویش را با دیگران به اشتراک بگذارند. داشتن این نگاه جهانی به ظرفیت‌های هویتی و فرهنگی این توانایی و مزیت را به افراد و گروه‌ها می‌دهد که با شیوه‌های ارتباطی کارآمد و دستیاب‌تر بیان‌کننده هویت خویش باشند (رجائی، ۱۳۹۵: ۷)؛ بنابراین می‌بایست مؤلفه‌های بنیادین این هویت بر اساس هر جامعه و الگوی کلان فرهنگی آن که در ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی بازتاب می‌یابند مورد شناسایی قرار گیرد؛ به خصوص آن که با توجه به شبکه‌های ارتباطات جهانی توسعه سطح تبادل ارزش‌ها و خرده‌فرهنگ‌های ملی و محلی به‌طور کامل با دگرگونی مواجه شده است. بدین منظور بر پایه شناخت ویژگی مؤلفه‌های بنیادین هویت ایرانی اسلامی می‌توان هویت ایرانی را به تعبیر شهید مطهری با دو مؤلفه ایرانیت و اسلامیت متشکل از وجوه مشترکی چون زبان، نژاد، سنن، اقلیم، دین در تشکیل یک ملیت در نظر گرفت (مطهری، ۱۳۹۵: ۴۶) که در یک روند تاریخی مقوله مدرنیته به دو مؤلفه قبلی ایرانیت و اسلامیت اضافه شد (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰: ۱۲) تا هویت فرهنگی را بیشتر به معنای احساس تعلق و تعهد افراد جامعه به رموز و نشانه‌های فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات، تاریخ و اشیاء مادی که منشأ انسجام و همبستگی اجتماعی است، نزدیک نماید. این مواجهه با مدرنیته خود مولود دووجهی سنت و تجدد شد. به تعبیری در رودخانه هویت ایرانی که در بستری از ایرانیت و اسلامیت شکل گرفته بود و به تدریج با مدرنیته مواجه شده بود، ضرورت توجه و بازتعریف ویژگی‌های سنتی و به تعبیری «نهضت بازگشت به خویشتن» را نیز سبب ساز شد (رجایی، ۱۳۹۵: ۵۹) که تبلور آن در انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) عیان شد و به نوعی رهیافت چهار بعدی ایرانیت، اسلامیت، سنت و تجدد را رقم زد؛ بنابراین الگوی فرهنگ ایرانی اسلامی مبتنی بر ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی - که خود برآیند سایر ابعاد وجودی و وجوهی هویتی است - دارای ویژگی‌هایی است که می‌بایست مورد واکاوی قرار گیرند؛ به خصوص که امروزه با رویکرد جهانی ارزش‌های یکسان بشری، ویژگی‌های هویت ملی مورد واسازی شالوده‌شکنانه (فوکویاما، ۱۴۰۱: ۱۴) قرار می‌گیرند و به تعبیری عرصه‌های معنادار فرازمانی و مکانی که محصول توافق و عدم توافق انسانی و حاصل آن برقراری روابط و پیوندهای هویتی و متمایز ساختن نظام‌مند شباهت و تفاوت میان افراد و جماعت‌هاست (جنکیز، ۱۳۹۶: ۶۹) با پیش شرط آگاهی‌های فردی و

گروهی افراد جامعه نسبت به خود و روند تدریج در کنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۹۸: ۶۷). از سوی دیگر، از آنجا که هویت فرهنگی شامل مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ارزشمند فرهنگی هستند که برای افراد یک جامعه ضمن ایجاد ارزش آفرینی، تشخیص به همراه می‌آورد، لذا می‌توان مقوله‌های فرهنگی اعتبار آفرین را که در جامعه قبض و بسط یافته‌اند به‌عنوان ابعاد اصلی هویت فرهنگی نامید که در پیشینه فرهنگی و تمدنی ایرانیان نیز محرز تلقی می‌شود؛ از جمله زبان و ادبیات فارسی و یا به تعبیری هنر زبان پارسی که از گذشته‌های دور تا به امروز به‌عنوان یک ویژگی هویتی بارز ایرانیان در سطح جهان مطرح بوده است؛ به‌طوری‌که نمی‌توان نام کسانی چون حافظ، سعدی، خیام و مولانا و یا ابوریحان بیرونی، ابن سینا، سهروردی و دیگر چهره‌های شاخص را از لوح زرین ناموران جهانی حذف کرد (مسکوب، ۱۳۹۸: ۱۴۹).

درواقع ادبیات فارسی آینه تمام‌نمای هویت ایرانی به‌ویژه شعر فارسی عنصر اصلی و پایدار فرهنگ و تمدن ایرانی است و امروزه نه‌تنها در سازمان ملل متحد بلکه اتفاقاً در اوج دوران مدرن، سورنال و پست‌مدرن و رئالیسم جادویی، زبان مولوی، نظامی، عطار و خیام کم‌کم دارد بهتر فهمیده می‌شود و دنیای کنونی بیش از هر زمان دیگر، نیاز خود را به این گنجینه سرشار از معنویت و هویت درک نموده است (قبادی و غیاث‌الدین، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۴۳). همچنین مزیت‌های ذاتی و هویتی زبان فارسی باعث شده تا اینک این زبان در خارج از کشور به‌عنوان مخرج مشترک گروه‌های مختلف ایرانی و شناسه اصلی ایرانیان خارج از کشور ایفای نقش کند (بروجردی، ۱۳۸۴: ۸۰). در کنار زبان فارسی به‌عنوان زبان معیار ایرانیان، سایر زبان‌های متداول هم چون آذری، کردی، بلوچی، عربی و ترکمن از عناصر سازنده هویت تمدنی ملی ایران هستند که در طول تاریخ در شکوفایی زبان فارسی نیز سهیم بوده‌اند. باین‌وجود، فرهنگ و تمدن ایران و زبان فارسی به‌قدری نیرومند است که تفوق و تسلط معنوی خویش را به‌رحال برقرار نگاه داشته است (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۵). علاوه بر این، بسیاری از محققان و تاریخ‌دانان علم معتقدند که بخشی از پیشرفت‌های علوم و تمدن بشری مدیون فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام و پس از آن می‌باشد و هویت فرهنگی ایران ظرفیت بالایی جهت ایجاد و پذیرش فرهنگ علمی داشته و دارد. ژرژ سارتن می‌گوید: «بسیار کودکانه است که انسان تصور کند که علم با یونان آغاز گردیده است. بر علوم یونانیان، هزار سال کار مصر، بین‌النهرین و ایران مقدم بوده است و علم یونان بیشتر

جنبه تجدید حیات داشته است تا اختراع» (هابسون، ۱۳۹۷: ۳۷). هم‌چنین مورخان و محققان تأیید می‌کنند که ایرانیان باستان در تمام شئون علمی و عملی دارای هدفی انسانی و معنوی بوده‌اند. ابن خلدون فیلسوف و مورخ بزرگ اسلامی در قرن هشتم هجری درباره برتری فرهنگی ایرانیان در تمدن اسلامی تحت عنوان این که بیشتر دانشوران اسلام از ایران هستند، می‌نویسد: «از شگفتی‌هایی که واقعیت دارد این است که بیشتر دانشوران ملت اسلام خواه در علوم شرعی و چه در دانش عقلی به‌جز در موارد نادری غیر عرب‌اند و اگر هم کسی بتوان یافت که از حیث نژاد عرب‌اند، از لحاظ زبان، مهد تربیت و مشایخ و استادان عجمی هستند، با اینکه دین و صاحب شریعت عربی است» (اشمیت، ۱۳۹۶: ۳۷).

ضلع سوم هویت فرهنگی ایرانیان شامل هنر ایرانی- اسلامی است که پیشینه عمیق و ماندگار دارد؛ زیرا در طول تاریخ هنر ایران، در هر دوره‌ای شاخه‌ای خاص از هنرهای زیبا بیشتر از سایر هنرها بروز کرده است. به‌طور مثال در دوره مغول نقاشی، در دوره سلجوقی فلزکاری و در دوره صفوی معماری بسیار توسعه یافت (گشایش، ۱۳۹۸: ۳۵). نقاشی هنری است جامع که موضوع آن شامل همه دنیای مرئی می‌شود. ایران به هنر جهانی نوعی نقاشی عرضه نمود که دارای مضامین متنوع حماسی، تغزلی، عرفانی و اخلاقی بوده است و چنان لذتی به بیننده می‌دهد که کمتر هنری قادر به آن است (پاکباز، ۱۳۹۶: ۳۶). معماری نیز به‌عنوان ظرف هویت‌بخش زندگی انسان، آینه تمام‌نمای فرهنگ در هر جامعه‌ای است که در تعاملی بسیار نزدیک با ویژگی‌های ساختاری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه قرار دارد. به بیان دیگر معماری عبارت است از هرگونه ساخت و سازی که محیط مادی را بر اساس «قالب ذهنی» نظام بخشی، آگاهانه تغییر دهد (شایان، ۱۳۸۷: ۳۴۳). هرمان موتسیوس معتقد است معماری و سیله واقعی سنجش هویت فرهنگی یک ملت بوده و هست (گروتز، ۱۳۸۶: ۵۳). نگاهی اجمالی به تاریخ معماری ایران نشان می‌دهد که آثار بزرگ معماری بر اساس جهان دینی و هویت فرهنگی ایران پدید آمده است. سبک معماری ایرانی بر معماری آلمان، ایتالیا، اتریش، بلغارستان، اسپانیا و روسیه تأثیر گذاشته و سقف گنبدی شکل بیشتر بناهای ساخته شده در اروپای قرون وسطی از معماری ایران الهام گرفته است (ثلاثی، ۱۳۹۸: ۱۵۹). صنایع دستی ایران نیز به‌خصوص هنر فلزکاری، تجلی‌گاه سخن و آداب و رسوم ایرانی است. هنر فلزکاری دوره سلجوقی نیز به‌عنوان دوره‌ای خاص در هویت فرهنگی هنری ایران

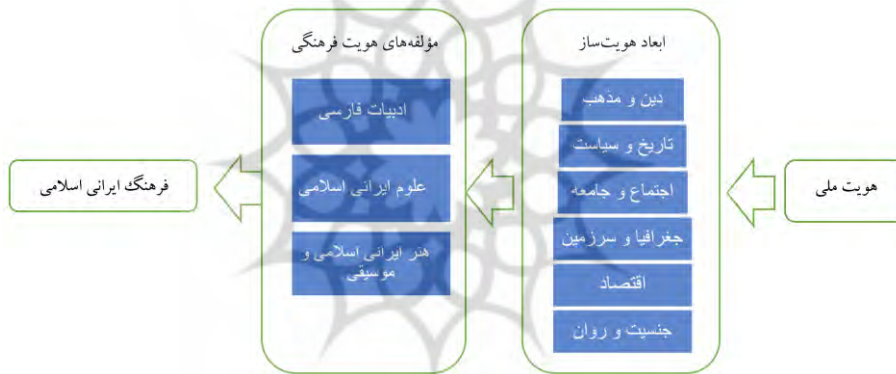
حائز اهمیت است. میناکاری، طلاکاری، اشیاء برنزی با تزئینات برجسته و منقوش و برنز کاری با ترصیح نقره و حس از نمونه‌های تزئینی بارز در هویت فرهنگی و هنری ایرانیان است (نصرالهی، ۱۳۹۵: ۲۹۹). از جمله صنایع دستی ایرانی دیگر، قالیبافی و سفالگری است که خوشبختانه تصاویر عالی از معروف‌ترین قالی‌های تاریخی ایران در نشریات موزه و کتاب تاریخ قالی‌های شرقی پیش از ۱۸۰۰ میلادی نوشته دکتر مارتین نشان از هویت غنی فرهنگی هنری ایرانیان دارد (آربری، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

موسیقی نیز هرچند جزئی از هنرهای هفتگانه محسوب می‌شود، اما در یک تفکیک با سایر اقسام هنر، نماینده احساسات درونی و عاطفی مردم به وسیله اصوات آهنگین عرصه تأثیرگذار دیگری از هویت فرهنگی ایرانیان است که در قالب وزن‌ها و صور مختلف به بیان و یادآوری حکایات، روایات، خاطرات، اسطوره‌ها، خصیصه‌ها و تمایزهای خود می‌پردازد و آن‌ها را آشکار می‌سازد. به تعبیری، معانی و مضامینی که کلمه از بیان صحیح و دقیق آن‌ها عاجز است، در قالب صدا و به شیوه‌ای دلپذیر بیان می‌شود. یادآوری خاطرات گذشته، انتقال میراث به نسل کنونی و آتی و نیز تجربه‌اندوزی از رویدادها و داستان‌های گذشته فقط با کتاب و نگارش میسر نیست؛ از این رو موسیقی هم در بازسازی سنت‌ها و شخصیت‌های گذشته نقش دارد و هم ابزاری مؤثر برای نگهداری از شاخص‌های هویت یک ملت به شمار می‌آید. در ایران موسیقی علاوه بر تاریخ دیرینه و تنوع پرشکوه خود با سایر هنرها و مؤلفه‌های هویت‌ساز نظیر شعر، معماری و صنایع دستی هم ارتباط دارد به گونه‌ای که موسیقی حماسی یادآور قهرمانان اسطوره‌ای است و موسیقی آیینی و مدیحه‌سرایی محزون به سلسله رویدادها و حوادث ناگوار دلالت دارد و عمق اثرگذاری آن‌ها بر ذهن و روح مخاطب ماندگارتر و مؤثرتر می‌سازد. در مجموع می‌توان گفت شناخت ظرایف موسیقی از یک سو و شناختن لایه‌های آن برای دیگران بخش مهمی از وجوه مشخصه «ما» را نشان می‌دهد (وجدانی، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

علاوه بر موارد یادشده، سایر ابعاد هویت‌ساز با رویکرد ترکیبی عناصر هویت ملی اعم از عناصر جغرافیایی و سرزمینی شامل هویت قومی، تاریخی و تمدنی مانند اسطوره‌ها و آیین‌های کهن، بعد سیاسی شامل مؤلفه‌های هویت دفاعی و ایدئولوژیک، هویت گفتمانی سنت، مدرن، پست‌مدرن و هویت گفتمانی انقلاب اسلامی به‌عنوان شکل جدیدی از هویت گفتمانی جهان

معاصر و به تعبیری حاصل رویکرد «نهضت بازگشت به خویشتن» (رجایی، ۱۳۹۵: ۵۹) متبلور در انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) را نیز می‌توان به‌عنوان بخش دیگری از هویت ایرانی اسلامی امروز نام برد و البته از سویی توجه به ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی به‌عنوان نوعی نگرش به شناخت انسان به‌عنوان فردیت اجتماعی و نیز بعد اجتماعی که معنای زندگی انسان امروز در آن شکل و قوام می‌یابد نیز در ترکیب با هویت فرهنگی مولود مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیوندی از جمله هویت اخلاقی شد (کریمی مله و همکاران، ۱۳۹۷).

۳-۴. مدل مفهومی تحقیق



شکل ۱. مدل مفهومی الگوی فرهنگ ایرانی - اسلامی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۴. روش تحقیق

۴-۱. مراحل روش تحقیق

- مطالعه متون و ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش و سپس استخراج مفاهیم مربوطه؛
- تدوین ابعاد و مؤلفه‌های تلفیقی هویت فرهنگی با سایر ابعاد هویت ملی و مؤلفه‌های مختص هویت فرهنگی؛

- روش دلفی و انتخاب هدفمند نخبگان با مصاحبه اکتشافی و پرسشنامه نیمه ساختاریافته (۳ مرحله) تا اشباع نظری؛
- استخراج مدل مفهومی مبتنی بر آرای نخبگان؛
- آزمودن مدل از پرسشنامه محقق یافته (طراحی مدل و سنجش وضع موجود)؛
- آرای صاحب نظران و احراز روایی CVR و CVI و پایایی (آلفای کرونباخ)؛
- آمارهای توصیفی: تحلیل داده‌های خام از طریق EXCEL و SPSS؛
- اندازه‌گیری وضع موجود و مقایسه با وضع مطلوب؛
- آمارهای استنباطی: تحلیل عامل تأییدی از طریق سازه انعکاسی و تکوینی.

۴-۲. جامعه آماری

در بخش تعیین «مؤلفه‌های هویت فرهنگی جهت الگوی فرهنگی ایرانی اسلامی مبتنی بر هویت ملی» از صاحب نظران عرصه فرهنگ و هنر و پژوهشگران در زمینه «هویت فرهنگی» و در بخش «شاخص‌ها» از فعالین این عرصه با اولویت تحصیلات تکمیلی و دانشگاهی شامل مدیران میانی و کارشناسان فرهنگی وزارت‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، نهادهای فرهنگی شهرداری تهران استفاده شده است.

۴-۳. نمونه آماری

در خصوص مؤلفه‌های هویت فرهنگی جهت الگوی فرهنگی ایرانی اسلامی مبتنی بر هویت ملی، نمونه آماری شامل ۱۰ نفر (۸ نفر آقا و ۲ نفر خانم) صاحب نظر به صورت هدفمند تا مرحله اشباع نظری و در بخش بعدی، جهت طراحی گویه‌ها مبتنی بر ادبیات از نظر ۸ نفر نخبه تحقیق استفاده شد. در بخش سوم برای آزمودن مدل کیفی مطالعه نمونه‌گیری ساده تصادفی از جامعه آماری شامل کارشناسان فرهنگی که حجم نمونه از فرمول جامعه نامحدود کوکران ۳۸۵ نفر بود اما برای اطمینان تعداد ۴۵۰ پرسشنامه توزیع شد که داده‌های ۴۰۰ پرسشنامه (۱۰۰ نفر خانم و ۳۰۰ نفر آقا شامل ۱۰۰ نفر با تحصیلات دکتری و دانشجوی دکتری، ۲۴۰ نفر تحصیلات ارشد و دانشجوی ارشد و ۶۰ نفر کارشناسی) قابل استفاده در تحلیل بود.

۵. یافته‌های تحقیق

جدول ۲. اندازه‌گیری شاخص‌های مؤلفه هنر و موسیقی ایرانی اسلامی

اولویت	CR	ERROR	AVE	ضریب تعیین	آماره (t)	بارعاملی	شاخص‌های مؤلفه هنر و موسیقی ایرانی اسلامی
سوم	۰,۸۸۷	۰,۳۰۹	۰,۷۲۳	۰,۶۹۱	۴۰	۰,۸۳۱	افتخار به هنرهای اصیل ایرانی اسلامی و حفظ و تداوم آن‌ها
دوم		۰,۳۰۱		۰,۶۹۹	۴۱	۰,۸۳۶	حفظ و گسترش هنرهای اصیل ایرانی اسلامی به‌عنوان تولید سرمایه فرهنگی جهانی
اول		۰,۲۲۰		۰,۷۸۰	۶۲	۰,۸۸۳	اعتقاد به تأثیرگذاری هنر ایرانی اسلامی در هنر جهان

با توجه به جدول فوق می‌توان بارهای عاملی هر یک از سؤال‌ها را مشاهده نمود؛ مثلاً بار عاملی سؤال اول ۰,۸۳۱ می‌باشد و تقریباً ۶۹ درصد (۰,۸۳۱ را به توان ۲) از واریانس عامل را تبیین می‌نماید. مقدار ۰,۳۱ نیز خطا می‌باشد (مقدار واریانسی که توسط سؤال اول قابل تبیین نیست)، شاخص‌های CR و AVE نیز معیارهای برازش مدل محاسبه و در جدول آورده شده است که نشان‌دهنده برش مطلوب مدل است.

شاخص‌های مؤلفه هنر و موسیقی ایرانی اسلامی

وضع موجود	وضع ایدآل	شکاف
23/9	31/8	8/0
19/3	32/2	12/9
19/3	32/2	12/9

نمودار ۲. شاخص‌های مؤلفه هنر و موسیقی ایرانی اسلامی

جدول ۳. اندازه‌گیری شاخص‌های مؤلفه ادبیات فارسی

اولویت	CR	ERROR	AVE	ضریب تعیین	مقدار آماره t	بار عاملی	شاخص‌های مؤلفه ادبیات فارسی
سوم	۰,۹۳۲	۰,۲۲۰	۰,۸۲۰	۰,۷۸۰	۵۹	۰,۸۸۳	التزام به حفظ زبان و ادبیات فارسی
اول		۰,۱۴۶		۰,۸۵۴	۹۸	۰,۹۲۴	اعتقاد به گسترش زبان فارسی
دوم		۰,۱۷۴		۰,۸۲۶	۸۳	۰,۹۰۹	باور به زبان فارسی به‌عنوان مقوله حفظ و ارتقا هویت ایرانی اسلامی

با توجه به جدول فوق می‌توان بارهای عاملی سؤال‌ها را مشاهده نمود؛ مثلاً بار عاملی سؤال اول ۰,۸۸۳ می‌باشد و ۷۸ درصد (۰,۸۸۳ به توان ۲) از واریانس عامل «مؤلفه ادبیات فارسی» را تبیین می‌نماید. مقدار ۰,۲۲ نیز مقدار خطاست. شاخص‌های CR (پایایی ترکیبی) و AVE (روایی همگرا) معیارهای برآزش مدل نیز محاسبه گردید که مقادیر آن‌ها نشان‌دهنده برش مطلوب مدل است.

شاخص‌های مؤلفه ادبیات فارسی

	وضع موجود		
	شکاف	وضع ایدآل	وضع موجود
■ التزام به حفظ زبان و ادبیات فارسی	11/1	31/7	20/6
■ اعتقاد به گسترش زبان فارسی	15/6	34/7	19/1
■ باور به زبان فارسی به‌عنوان مقوله حفظ و ارتقا هویت ایرانی اسلامی	15/6	34/7	19/1

نمودار ۳. شاخص‌های مؤلفه ادبیات فارسی

جدول ۴. اندازه گیری شاخص های مؤلفه علوم ایرانی اسلامی

اولویت	CR	ERROR	AVE	ضریب تعیین	آماره t	بار عاملی	مؤلفه علوم ایرانی اسلامی
اول	۰,۹۱۷	۰,۱۸۳	۰,۷۸۷	۰,۸۱۷	۷۶	۰,۹۰۴	باور به توسعه و گسترش علوم
سوم		۰,۲۳۱		۰,۷۶۹	۴۸	۰,۸۷۷	اعتقاد به پیشینه تمدنی علوم ایرانی اسلامی در جهان
دوم		۰,۲۲۶		۰,۷۷۴	۵۱	۰,۸۸۰	التزام به پیشرفت و توسعه امور انسانی از طریق توسعه علوم

با توجه به جدول فوق می توان بارهای عاملی هر یک از سؤال ها را مشاهده نمود. برای مثال بار عاملی سؤال اول ۰,۹۰۴ می باشد. به عبارتی، این سؤال تقریباً ۸۲ درصد (۰,۹۰۴) را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس عامل «مؤلفه علوم ایرانی اسلامی» را تبیین می نماید. مقدار ۰,۱۸ نیز خطا می باشد (مقدار واریانسی که توسط سؤال اول قابل تبیین نیست). همچنین شاخص های CR (پایایی ترکیبی) و AVE (روایی همگرا) معیارهای برازش مدل محاسبه شده که مقادیر آن در جدول بالا آمده که نشان دهنده برش مطلوب مدل است.

شاخص های مؤلفه علوم ایرانی اسلامی



نمودار ۴. شاخص‌های مؤلفه‌های علوم ایرانی اسلامی

جدول ۵. اندازه‌گیری بعد هویت فرهنگی

اولویت	CR	ERROR	AVE	ضریب تعیین	مقدار آماره t	بار عاملی	مؤلفه‌های هویت فرهنگی
سوم	۰,۹۶۴	۰,۱۳۱	۰,۸۹۸	۰,۸۶۹	۱۲۸	۰,۹۳۲	هنر ایرانی و اسلامی و موسیقی
اول		۰,۰۸۲		۰,۹۱۸	۱۸۴	۰,۹۵۸	ادبیات فارسی
دوم		۰,۰۹۲		۰,۹۰۸	۱۶۹	۰,۹۵۳	علوم ایرانی اسلامی

با توجه به جدول بالا، بار عاملی متغیر پنهان مؤلفه‌های هنر و موسیقی ایرانی اسلامی، ادبیات فارسی و علوم ایرانی اسلامی به‌عنوان متغیر مشاهده‌پذیر بعد فرهنگی می‌باشد. همچنین شاخص‌های CR (پایایی ترکیبی) و AVE (روایی همگرا) معیارهای برازش مدل در جدول آورده شده، نشان‌دهنده برش مطلوب مدل می‌باشد.

جدول ۶. بررسی وضعیت موجود مؤلفه‌های هویت فرهنگی

مقدار آماره t	شکاف	وضعیت مطلوب	وضعیت موجود	نمره خام	ضریب فنی	مؤلفه‌های هویت فرهنگی
۲,۵۸	۱۷,۷	۳۲,۲	۱۴,۵	۴۵	۰,۳۲۲	هنر ایرانی اسلامی و موسیقی
۱,۹۶	۸,۵	۳۴,۱	۲۵,۵	۷۵	۰,۳۴۱	ادبیات فارسی
۳	۱۵,۲	۳۳,۷	۱۸,۵	۵۵	۰,۳۳۷	علوم ایرانی اسلامی
	۴۱,۴	۱۰۰,۰	۵۸,۶		۱	

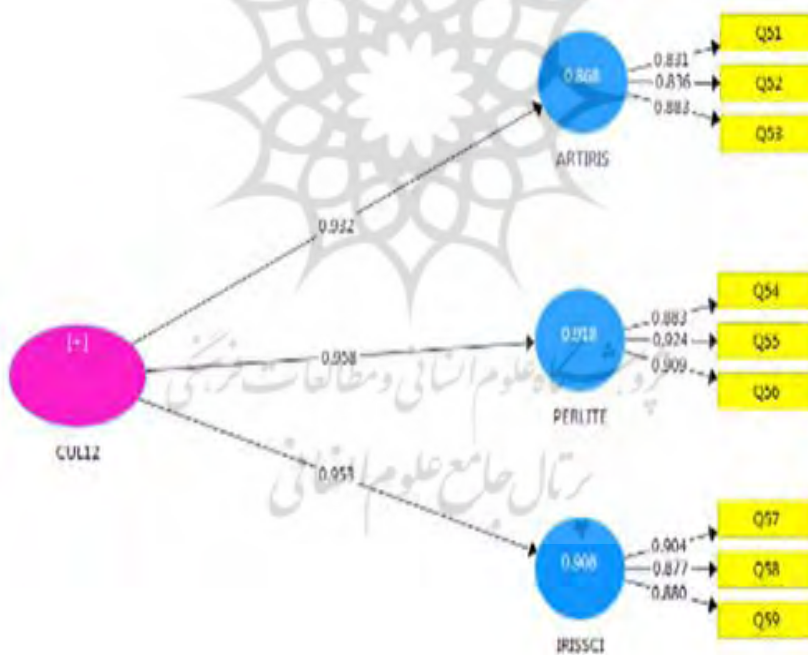
نتایج جدول نشان می‌دهد که بین وضعیت موجود و مطلوب تفاوت وجود دارد. مقدار آماره (t) محاسبه‌شده حاکی است که این تفاوت معنی‌دار بوده و با اطمینان ۹۹ درصد بین وضعیت موجود و مطلوب مؤلفه‌های هویت فرهنگی شکاف وجود دارد و از اولویت بهبود بالایی برخوردارند.

مؤلفه های هویت فرهنگی

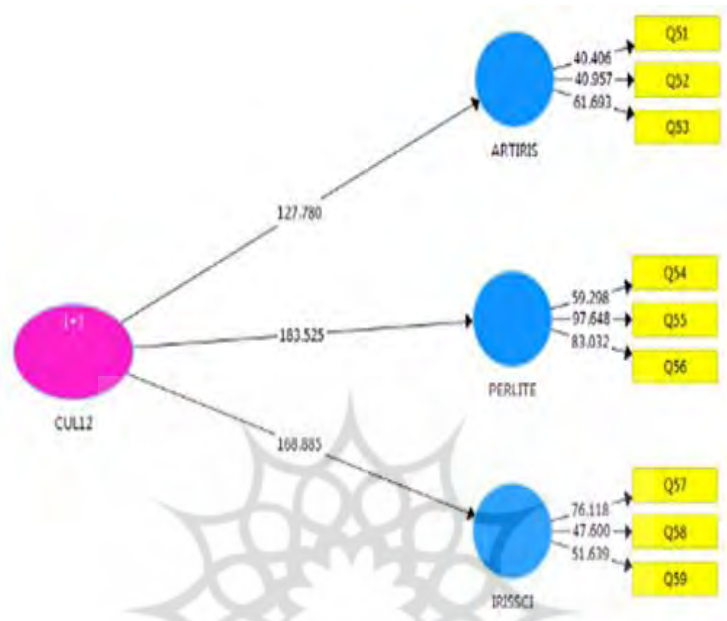


نمودار ۵. مؤلفه های بعد فرهنگی و هنری

مدل اندازه گیری بعد هویت فرهنگی از ابعاد هویت ملی ایرانیان



شکل ۱. بار عاملی استاندارد شده مدل نهائی



شکل ۲. مقدار آماره (T) مدل نهایی

۶. تحلیل یافته‌ها و پاسخ به سؤالات

بر اساس الگوی فرهنگی ایرانی- اسلامی، مؤلفه‌های هویت فرهنگی به ترتیب شامل ادبیات فارسی، علوم ایرانی اسلامی، هنر ایرانی اسلامی و موسیقی می‌باشد. هم‌چنین مؤلفه ادبیات فارسی با شاخص‌های «اعتقاد به گسترش زبان فارسی» و «حفظ و ارتقا هویت ایرانی اسلامی»، مؤلفه علوم ایرانی اسلامی با شاخص‌های «باور به پیشرفت علوم و توسعه امور انسانی با استفاده از آن» و «اعتقاد به پیشینه تمدنی علوم ایرانی اسلامی در جهان» و مؤلفه هنر ایرانی اسلامی و موسیقی با شاخص‌های «اعتقاد به تأثیرگذاری هنر ایرانی اسلامی در هنر جهان» و «التزام به حفظ و گسترش تداوم هنر ایرانی اسلامی در هنر جهان» می‌باشد.

لازم به توضیح که با توجه به نمودار ۲ مربوط به شاخص‌های مؤلفه هنر ایرانی اسلامی و موسیقی به‌طور مشترک میان شاخص‌های «افتخار به هنرهای اصیل ایرانی اسلامی و حفظ و تداوم

آن‌ها» و «حفظ و گسترش هنرهای اصیل ایرانی اسلامی به‌عنوان تولید سرمایه‌های فرهنگی جهانی» و کمترین فاصله مربوط به شاخص «اعتقاد به تأثیرگذاری هنر ایرانی اسلامی در هنر جهان» می‌باشد. بر این اساس ضروری است ضمن توجه ویژه به هنرهای اصیل ایرانی و اسلیمی متبلور در آثار هنرمندان ایرانی با پارادایم مدیریت سرمایه‌های فرهنگی جهانی با قبض و بسط این آثار نه تنها با رویکرد هژمونی سازی فرهنگ غربی مقابله کرد؛ بلکه ارزش‌های فاخر هنری‌های ایرانی و اسلامی که در آن تجلی ارتباط انسان با معبود، انسان با خویش‌ن و انسان با طبیعت وجود دارد را به‌تمامی علاقه‌مندان، هنرمندان و هنرپروران سایر کشورها و ملل عرضه دارند.

هم‌چنین با توجه به نمودار ۳ مربوط به شاخص‌های مؤلفه‌های ادبیات فارسی بیشترین شکاف وضع موجود و مطلوب به‌طور مشترک میان شاخص‌های «اعتقاد به گسترش زبان فارسی» و «باور به زبان فارسی به‌عنوان مقوله حفظ و ارتقا هویت ایرانی اسلامی» و کمترین فاصله مربوط به شاخص «التزام به حفظ زبان و ادبیات فارسی» می‌باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد باور به زبان فارسی به‌عنوان یک مقوله هویت فرهنگی در کنار اعتقاد به گسترش آن نیازمند اهتمام ویژه در حوزه سیاست‌گذاری کلان فرهنگی است؛ به‌خصوص آن‌که امروزه با رویکرد جهانی سازی و فراگیری بیش‌ازپیش زبان‌های غربی (به‌ویژه انگلیسی) به‌عنوان زبان مشترک دیالوگ و ارتباطات میان کشورها و حتی عادی‌سازی کاربرد روزمره آن در سایر زبان‌های زنده دنیا از جمله زبان و ادبیات فارسی ضرورت التزام به حفظ و گسترش زبان فارسی برای نسل‌های جدید و نیز سایر ملل - با توجه به فصاحت، بلاغت و هرگونه بودن ادبیات فارسی - را می‌طلبد.

علاوه بر این، با توجه به نمودار ۴ مربوط به شاخص‌های مؤلفه‌های علوم ایرانی و اسلامی به‌طور مشترک میان شاخص‌های «اعتقاد به پیشینه تمدنی علوم ایرانی اسلامی در جهان» و «التزام به پیشرفت و توسعه امور انسانی از طریق توسعه علوم» و کمترین فاصله مربوط به شاخص «باور به توسعه و گسترش علوم» می‌باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به دستاوردهای پیشین و امروزین دانشمندان و عالمان ایرانی عرصه‌های مختلف علم، توجه به تاریخ علم ایرانی اسلامی از یک سو و نیز از سوی دیگر ضرورت باور به توسعه امور انسانی از طریق پیشرفت و توسعه علوم می‌تواند به‌عنوان یک کار ویژه مهم سیاست‌گذاری علمی فرهنگی در کشور مورد توجه قرار گیرد. این نگاه کلان با راهبرد توسعه ظرفیت‌های انسانی از طریق پیشرفت و گسترش علوم می‌تواند منجر به

هم‌افزایی شود.

در آخر، با توجه به یافته‌ها و تحلیل آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. به دلیل برخی اشتراکات و افتراقات ابعاد مختلف هویت ملی، برخی هویت‌های تلفیقی با ترکیبی از هویت فرهنگی با سایر ابعاد هویت ملی ایجاد می‌شود که اگرچه کاملاً فرهنگی نیستند اما به هر ترتیب رگه‌های فرهنگی در آن‌ها موجود است؛ و لذا این بعد تلفیقی دارای مؤلفه‌های پیوندی هستند از جمله هویت‌های تلفیقی هویت فرهنگی با سایر ابعاد هویت ملی شامل هویت جغرافیای فرهنگی، هویت گفتمانی، هویت روان فرهنگی، هویت اخلاقی و نظام معنایی است.

۲. با توجه به الگوی هویت فرهنگ ایرانی - اسلامی مبتنی بر ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان با نظر جامعه آماری پژوهش حاضر، ویژگی‌های بارز به ترتیب اهمیت شامل ادبیات فارسی، علوم ایرانی و اسلامی و هنر ایرانی و اسلامی و موسیقی می‌باشد. ادبیات فارسی به دلیل پیشینه تمدنی و جهان‌گستری خود، دارای ویژگی عام مشترک، حفظ و پالایش مستمر در طول قرون متمادی در فراز و فرودهای تاریخی رویکرد زایشی خویش را حفظ و از آسیب‌های متنوع مصون مانده و علوم ایرانی اسلامی نیز به دلیل پیشینه کهن و بنا نهادن بنیان‌های علمی جهانی همواره مورد توجه بوده است؛ و در آخر، هنر ایرانی و اسلامی به‌عنوان سبکی تأثیرگذار و شگفت‌انگیز در زمینه‌های نقاشی، معماری، هنر فلز کاری، مینا کاری، قالیبافی، منبت کاری، شیشه‌گری و سایر موارد مشابه همراه با موسیقی ایرانی ضمن تصویرسازی هویت فرهنگی ایرانی اسلامی در عرصه جهانی مقبولیت حداکثری داشته است.

۳. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت این پژوهش با پژوهش عربستانی و همکارانش (۱۴۰۰) در زمینه عامل هویت قومی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت فرهنگی هم‌راستا است. هرچند از نظر جامعه آماری پژوهش حاضر این مؤلفه تلفیقی هویت فرهنگی هنری با هویت جغرافیایی محسوب می‌شود؛ اما به هر ترتیب این مقوله جزء مؤلفه‌های پراهمیت محسوب می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان داد که همچون پژوهش کریمی مله و همکارانش (۱۳۹۷) مؤلفه‌های زبان و ادبیات فارسی، هنر ایرانی اسلامی و خرده‌فرهنگ اقوام ایرانی از اصلی‌ترین و بااهمیت‌ترین مؤلفه‌های الگوی فرهنگ ایرانی- اسلامی مبتنی بر

هویت ملی ایرانیان هستند.

در خصوص پژوهش‌های غیر ایرانی نیز، پژوهش حاضر با پژوهش هلنا کارجالاین (۲۰۲۰) از آن حیث هم‌راستاست که پژوهش مذکور هویت فرهنگی را اولاً مبتنی بر متمایز بودن ویژگی یک جامعه معین می‌داند و ثانیاً آن تمایز بر اساس ویژگی‌های خاص مشترک مردم یک دامنه جغرافیایی می‌پندارد. همچنین پژوهش حاضر با پژوهش کاترین. ایی. امیوت و همکارانش (۲۰۱۸) با عنوان پویایی هویت فرهنگی در راستای افزایش ضریب نفوذ تأثیرگذاری هویت ملی بر افراد حتی مهاجرین به کشورهای مقصد مؤثر تلقی می‌شود.

۴. پژوهش حاضر همچنین با برخی مقوله‌های پژوهش‌های مشابه نیز دارای اختلاف است؛ به‌طور مثال از آنجا که کریمی مله و همکارانش (۱۳۹۷) هویت ایرانیان امروز را صرفاً مبتنی بر ویژگی‌های اسلامی و ایرانی می‌دانند، لذا این تقلیل سطح هویتی منجر به عدم تناسب آن با هویت جهانی متکثر است؛ در صورتی که هویت فرهنگی ایرانی اسلامی از منظر ظرفیت‌های دانشی و ارزشی در حوزه‌های فرهنگی و هنری و پیشینه تمدنی علمی دارای تأثیرات اجتناب‌ناپذیر بوده است. در خصوص پژوهش‌های غیر ایرانی نیز غیر هم‌راستایی به دلیل عدم تفکیک حوزه‌های ملموس با غیرملموس در ابعاد و مؤلفه‌های هویت فرهنگی است. این امر می‌تواند به دلیل فقدان پیشینه تمدنی غرب، تسری مؤلفه‌های فرهنگی غربی به‌عنوان هویت جهانی و هژمونی سازی آن، توجه حداکثری به مقوله فردی و روان‌شناختی (رویکرد اومانستی و فردگرایی)، تقلیل تعلقات دینی و به‌نوعی دنیاگرایی در آیین‌ها و مراسم (رویکرد سکولاریستی) باشد.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر درصدد الگوی ایرانی- اسلامی مبتنی بر ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان بود و از آنجا که فرهنگ ایرانی- اسلامی تلفیقی از مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی همراه با ارزش‌های تمدن اسلامی است که در گذر زمان این عقلانیت و درایت در پیوند با شرع مقدس و نظام معرفتی اسلام قوام و دوام یافته است؛ به‌طوری که بخشی از برآیند هویت ملی ایرانیان در سطح کلان محسوب می‌شود که منجر به ایجاد ایران فرهنگی اسلامی با مرزهایی فراتر از محدودیت‌های

جغرافیایی و سرزمینی شده است؛ لذا ضمن احصاء این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به صورت کیفی و کمی شامل: الف- مؤلفه ادبیات فارسی با شاخص‌های اعتقاد به گسترش زبان فارسی و حفظ و ارتقا هویت ایرانی اسلامی. ب- مؤلفه علوم ایرانی اسلامی با شاخص‌های باور به پیشرفت علوم و توسعه امور انسانی با استفاده از آن و اعتقاد به پیشینه تمدنی علوم ایرانی اسلامی در جهان. ج- مؤلفه هنر ایرانی اسلامی و موسیقی با شاخص‌های اعتقاد به تأثیرگذاری هنر ایرانی اسلامی در هنر جهان و التزام به حفظ و گسترش تداوم آن‌ها، می‌توان میزان وضعیت موجود و مطلوب هریک از آن‌ها و نیز شکاف میان آنان را نیز به دست آورد.

در ادامه نیز مشخص شد بخشی از نظام ارزشی و هویتی ایرانیان اگرچه تماماً فرهنگی نیستند، اما به دلیل ویژگی‌های ذاتی مقولات فرهنگی- ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم و ... - و پیوند آن‌ها با سایر ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان از جمله هویت دینی و مذهبی، تاریخی و تمدنی، سیاسی و اجتماعی شکل تلفیقی از هویت را ایجاد می‌کنند (مانند هویت اخلاقی، هویت قومی، هویت گفتمانی و ...) که در گذر زمان ضمن تأثیر و تأثر از تحولات نسلی و بهره‌گیری از ارزش‌های جهانی، از منظر تنوع و تکثر نیز بر غنای خویش افزوده و ظرفیت‌های مؤثری در راستای حضور در عرصه‌ها و مواجهه‌های جهانی را برای ایران اسلامی و ایرانی امروزی می‌سازند؛ هرچند که در این ضمن نمی‌توان از هجمه‌ها و تهدیدات علیه نظام ارزشی فرهنگ ایرانی- اسلامی یا به تعبیری هویت فرهنگی توسط غیر، غافل و یا منفعل باقی ماند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- آربری، آرتور جان (۱۳۸۹). «میراث ایران». ترجمه: عزیزالله حاتمی، احمد بیرشک، محمد معین، علی صدیق، بهاءالدین بازارگادی و محمد سعیدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰). «فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن». تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- آسمان نسب، بهزاد؛ قدمی، محسن؛ عزیزآبادی فراهانی، فاطمه (۱۴۰۰). «رابطه مدیریت دانایی و سواد رسانه‌ای با کنترل ابعاد یادگیری سازمان‌های رسانه‌ای- مورد مطالعه: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران». *مجله مدیریت فرهنگی*، سال چهاردهم، شماره ۵۳، پاییز، ۱۲۲-۱۰۷.
- اسمیت، آنتونی. دی (۱۳۹۴). «ناسیونالیسم و مدرنیسم: بررسی انتقادی نظریه‌های متأخر ملت و ملی گرایی». ترجمه: کاظم فیروزمند، نشر ثالث.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۵). «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی». مترجم: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بروجردی، مهرداد (۱۳۸۴). «فرهنگ و هویت ایرانی در فراسوی مرزها». تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۶). «نقاشی ایران: از دیرباز تا امروز». تهران: نشر زرین و سیمین.
- توفیق، عنایت (۱۳۸۷). «عناصر هویت فرهنگ ایرانی در آثار هنر اسلامی». *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۲۰، شهریورماه، ۳۲-۴۳.
- ثلاثی، محسن (۱۳۹۸). «جهان ایرانی و ایران جهانی: تحلیل رویکرد جهان گرایانه در رفتار، فرهنگ و تاریخ ایرانیان». تهران: نشر مرکز.
- خسروی، علی‌رضا (۱۳۹۴). «امنیت و هویت». تهران: نشر تمدن ایرانی.
- دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۹۳). «قدرت ارتباطات یا قدرت اطلاعات: نقدی بر نظریه قدرت شبکه‌ای مانوئل کاستلز». *فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات*، سال اول، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان، ۹۱-۱۱۰.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۹۵). «مشکل هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ». تهران: نشر نی.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۵). «در گستره فرهنگ: نگرشی مردم‌شناختی». تهران: نشر اطلاعات.
- شایان، حمیدرضا (۱۳۸۸). «معماری، فرهنگ و ارتقای کیفیت محیط اذسان ساخت». *همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر*، جلد اول، انتشارات سوره مهر، صص ۳۳۶-۳۱۲.
- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۴). «رمز و راز هنر اسلامی در آفریقا و ایران». *دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی*، سال اول، شماره دوم، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی، بهار و تابستان ۱۲۰-۱۰۵.

- شریعت، زهرا (۱۳۸۶). «تزیینات کتیبه‌ای آستانه مقدسه قم». دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی، پاییز و زمستان، ۹۱-۱۱۰.
- شمیت، ناتانیل (۱۳۹۶). «ابن خلدون: مورخ، جامعه‌شناس و فیلسوف». ترجمه: غلامرضا جمشیدی‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عربستانی، مهرداد؛ سلطان‌پور، اکرم؛ ساروخانی؛ باقر (۱۴۰۰). «شناسایی اولویت‌بندی عناصر هویت فرهنگی در تکوین و پایداری هویت قوم ترک». مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱۸، ۹۲-۱۱۳.
- عزیزآبادی فراهانی، فاطمه؛ مسعودی، رامین (۱۳۹۹). «اندازه‌گیری مشارکت فرهنگی». تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- صالحی، محمدعلی (۱۳۹۵). «دین و هویت، به نقل از انقلاب اسلامی و مقوله هویت». تهران: نشر تمدن اسلامی.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸). «مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی». تهران: انتشارات ققنوس.
- علمداری، کاظم (۱۳۹۸). «چرا ایران عقب ماند و غرب پیشرفت؟». تهران: نشر توسعه.
- کریمی مله، علی؛ بلبا سی، میثم؛ قربی، سید محمدجواد (۱۳۹۷). «عناصر هویت فرهنگی ج.ا.ا: نمونه کاوی سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان، ۲۵۱-۲۸۲.
- گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۶). «زیبایی شناسی در معماری». ترجمه: جهان‌شاه پاکرلو، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گشایش، فرهاد (۱۳۹۸). «تاریخ هنر». تهران: نشر مازلیک.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۴۰۱). «لیبرالیسم و انتقادات وارد بر آن». ترجمه: سید علی موسوی، تهران: انتشارات نسل روشن.
- قبادی، حسینعلی و منیژه غیاث‌الدین (۱۳۸۶). «ظرفیت‌های ادبیات فارسی در بازیابی هویت ایرانی». تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۹۸). «هویت ایرانی و زبان فارسی». تهران: نشر فرزاد روز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). «مجموعه آثار». جلد ۱، قم: انتشارات صدرا.
- پیرمحمدی، داود (۱۳۹۴). «گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران». تهران: نشر تمدن ایرانی.
- نصراللهی، عبدالله (۱۳۹۵). «جهانی شدن میراث فرهنگی ملموس (پیدایی، مبانی و مصادیق)». تهران: انتشارات پرهام نقش.
- وجدانی، بهروز (۱۳۹۴). «موسیقی ایرانی و هویت». تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

هابسون، جان. ام (۱۳۹۷). «ریشه‌های شرقی تمدن غرب». ترجمه: مسعود رجیبی و موسی غنبری، تهران: دانشگاه تهران.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳). «زبان در عرصه‌های ذهن و جامعه». تهران: نشر قومس.

Amiot, C. E. & Doucerain, M. M. & Ryder, A. G. (2017). Cultural identity dynamics: Capturing changes in cultural identities over time and their intraindividual organization, **European journal of social psychology**, <https://doi.org/10.1002/ejsp.2355> Volume48(5) 629-644.

Guibernau, M. (2014). A Critical Assessment of Nations and National Identity. *Nations and Nationalism*. ۱۰ (۱, ۲). ۱۲۵-۱۴۱.

Hastings, A (2017). "**The Construction of nationhood: Ethnicity, Religion and Nationalism**", New York: Cambridge University Press.

Prevost, P. (2004). **Cultural identity, function of social science**. Sydney: Macquarie University.

Prudie, N. & Wilss, L (۲۰۰۷). Australian National Identity: Young People, Conceptions of what it means to be Australian. **National Identities**. Vol 9. No1. 67-82.



Iranian-Islamic Cultural Model Based on Dimensions and Components of Iranian National Identity

Ramin Masoudi^۱ | Fatemeh Azizabadi Farahani^۲ | Rozita Sepehnia^۳ | Mehrdad

Navabakhsh^۴ | Seyyed Reza Salehi Amiri^۵

Abstract

The purpose of this research is to identify the Iranian-Islamic cultural pattern based on the concept of Iranian national identity. This research is a combined quantitative and qualitative method by extracting concepts, compiling the components and indicators of cultural identity from related research literature, obtaining confirmation with the Delphi method, extracting a conceptual model, measuring the current situation and comparing it with the desired situation, verifying validity and reliability, confirmatory factor analysis of It has been done through a statistical population of 410 people (10 experts and 400 workers in cultural responsibilities). The findings include 1. The component of Persian literature with indicators of belief in the expansion of the Persian language and the preservation and promotion of Iranian Islamic identity; 2. The component of Islamic Iranian sciences with indicators of belief in the progress of science and the development of human affairs by using it and belief in the background of the civilization of Islamic Iranian sciences in the world and 3. The component of Iranian Islamic art and music with indicators of belief in the influence of Iranian Islamic art in world art and the commitment to maintain and expand their continuity. The results also show that the Iranian-Islamic cultural model is based on the dimensions and components of national identity, including the cultural identity of Iranians, as well as the integrated cultural identity with other dimensions of national identity.

Keywords: Iranian Islamic Culture, Identity, Cultural Identity and National Identity.

-
۱. Ph. D. Student of cultural affairs management and planning, Science and Research Unit, Islamic Azad University. Tehran, Iran Ramin.Masoudi@gmail.com
 ۲. Corresponding Author: Associate Professor of Islamic Azad University and Director of Cultural Affairs Management and Planning Department, Faculty of Management and Economics, Science and Research Unit, Tehran. Iran f-azizabadi@srbiau.ac.ir
 ۳. Associate Professor, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Department of Cultural and Media Studies, Tehran. Iran
 ۴. Professor of Sociology Department. Islamic Azad University. Science and Research Unit. Tehran. Iran
 ۵. Associate Professor of Islamic Azad University. Cultural affairs management and planning group. Tehran Science and Research Unit. Iran